

## **La Compétence en Traduction Littéraire du Point de Vue des Traducteurs Littéraires : Analyse Thématique de Quarante Entretiens du Translator Journal**

**Moslem Fatollahi**

Doctorat Candidat, Département d'anglais, Université Ferdowsi de Mashhad, Mashhad, Iran

**Mohammad Reza Hashemi**<sup>1</sup> (Auteur correspondant) 

Professeur, Département d'anglais, Université Ferdowsi de Mashhad, Mashhad, Iran

### **Résumé**

Des formations en traduction sont dispensées dans les universités iraniennes depuis plusieurs décennies. Le programme de licence de traduction en langue anglaise comprend le cours de « traduction littéraire ». Malgré cela, dans les études de traduction en Iran, moins d'attention a été accordée à l'enseignement de la traduction littéraire en tant que genre et type de texte indépendant. Compte tenu des exigences de l'enseignement et de la pratique de la traduction littéraire, il est nécessaire d'examiner le point de vue des acteurs impliqués dans ce domaine, y compris les traducteurs littéraires, concernant les objectifs pédagogiques de ce cours. Le but de la présente étude est de décrire et d'analyser les points de vue des traducteurs littéraires professionnels en Iran concernant la compétence en traduction littéraire et les composantes de cette compétence (sous-compétences en traduction littéraire). Dans cette recherche, nous avons tenté de décrire et d'analyser les points de vue des traducteurs littéraires professionnels iraniens sur la compétence de la traduction littéraire et ses sous-compétences. À cette fin, le texte de 40 entretiens du Translator Quarterly avec 36 traducteurs littéraires éminents des dernières décennies en Iran a été analysé avec une méthode d'analyse thématique et les sous-compétences que ces traducteurs considéraient pour la traduction littéraire ont été décrites et catégorisées. En analysant les entretiens de ces traducteurs littéraires, un total de 21 sous-compétences en traduction littéraire ont été identifiées. Les résultats de la recherche ont montré que la classification obtenue dans cette recherche inclut la plupart des sous-compétences décrites dans les modèles précédents de compétence en traduction ainsi que certaines compétences spécifiques nécessaires aux traducteurs littéraires dans le contexte de la société iranienne.

**Mots-clés:** Traduction littéraire, capacité, sous-capacité, traducteurs littéraires, formation en traduction.

---

<sup>1</sup>. E-mail: hashemi@um.ac.ir      DOI: <https://doi.org/10.22067/RLTF.2024.85255.1096>  
<https://orcid.org/0000-0001-9437-131X>

## **Literary Translation Competence from Literary Translators' Perspective: Thematic Analysis of Forty Interviews from the Translator Journal**

**Moslem Fatollahi**

Ph.D. Candidate, English Department, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

**Mohammad Reza Hashemi**<sup>1</sup> (Corresponding author) 

Professor, English Department, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

### **Abstract**

Translation training has been carried out in Iranian universities for several decades. The bachelor's curriculum of English language translation includes the course "literary translation". Despite this, in translation studies in Iran, less attention has been paid to the teaching of literary translation as an independent genre and text type. Considering the requirements of teaching and practice of literary translation, it is necessary to examine the views of the actors involved in this field, including literary translators, regarding the teaching goals of this course. The aim of this study was to describe and analyze the points of view of professional literary translators in Iran regarding the competence and sub-competences of literary translation. For this purpose, the text of 40 interviews of *Motarjem* (Translator Quarterly) with 36 prominent literary translators of recent decades in Iran were analyzed with thematic analysis method and the subcompetences that these translators considered for literary translation were described and categorized. By analyzing the interviews of these literary translators, a total of 21 literary translation subcompetences were identified. The results showed that the classification obtained in this research includes most of the subcompetences described in previous models of translation competence and some specific competences needed by literary translators in the context of Iranian society.

**Keywords:** Literary Translation, Competence, Subcompetence, Literary Translators, Translation Training.

---


<sup>1</sup>. E-mail: hashemi@um.ac.ir      DOI: <https://doi.org/10.22067/RLTF.2024.85255.1096>  
<https://orcid.org/0000-0001-9437-131X>

## توانش ترجمه ادبی از دیدگاه مترجمان ادبی: واکاوی مضمونی چهل مصاحبه از فصلنامه مترجم

مقاله پژوهشی

مسلم فتح‌اللهی

دانشجوی دکتری ترجمه، گروه زبان انگلیسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

محمد رضا هاشمی<sup>۱</sup> (نویسنده مسئول) 

استاد گروه زبان انگلیسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

### چکیده

آموزش ترجمه چندین دهه است که در دانشگاه‌های ایران انجام می‌شود. برنامه درسی کارشناسی مترجمی زبان انگلیسی شامل درس «ترجمه ادبیات» است. با وجود این، در پژوهش‌های ترجمه در ایران، کمتر به آموزش ترجمه ادبی به عنوان یک ژانر و گونه مستقل توجه شده است. با توجه به الزامات تدریس و عمل ترجمه ادبی، بررسی دیدگاه‌های کنشگران فعال در این عرصه، از جمله مترجمان ادبی نسبت به اهداف تدریس این درس ضروری است. هدف مطالعه جاری، توصیف و واکاوی نقطه نظرات مترجمان ادبی حرفه‌ای ایران در مورد توانش ترجمه ادبی و اجزاء و مولفه‌های این توانش (زیرتوانش‌های ترجمه ادبی) است. در این پژوهش کوشیدیم دیدگاه مترجمان ادبی حرفه‌ای ایران درباره توانش ترجمه ادبی و زیرتوانش‌های آن را توصیف و تحلیل کنیم. برای این منظور، متن ۴۰ مصاحبه فصلنامه مترجم با ۳۶ مترجم ادبی شاخص دهه‌های اخیر ایران با شیوه تحلیل مضمونی بررسی و زیرتوانش‌هایی که این مترجمان برای ترجمه ادبی قائل بودند توصیف و دسته‌بندی شد. با تحلیل مصاحبه‌های این مترجمان ادبی، در مجموع ۲۱ زیرتوانش ترجمه ادبی شناسایی گردید. نتایج پژوهش نشان داد که دسته‌بندی به دست آمده در این پژوهش بیش‌تر زیرتوانش‌های توصیف‌شده در مدل‌های پیشین توانش ترجمه را دربرمی‌گیرد و برخی توانش‌های خاص مورد نیاز مترجمان ادبی در بستر جامعه ایران - همچون توانش تصمیم‌سازی، توانش سازگاری، توانش خلاقیت، توانش ذاتی، توانش عادت‌واره‌ای، توانش فرهیختگی، توانش احساسی و توانش فراشناختی - را نیز آشکار می‌سازد.

**کلیدواژه‌ها:** ترجمه ادبی، توانش، زیرتوانش، مترجمان ادبی، آموزش ترجمه.

<sup>۱</sup> E-mail: hashemi@um.ac.ir DOI: <https://doi.org/10.22067/RLTF.2024.85255.1096>  
<https://orcid.org/0000-0001-9437-131X>

## ۱. مقدمه

آموزش ترجمه چندین دهه است که در دانشگاه‌های ایران انجام می‌شود. یکی از نخستین تلاش‌ها برای ترویج آموزش ترجمه در ایران، تأسیس دانشگاه ترجمه در اوایل دهه ۱۹۷۰ بود. هدف این دانشگاه آموزش مترجمان حرفه‌ای به زبان‌هایی از جمله زبان‌های اروپایی و عربی بود. پس از انقلاب اسلامی ایران، دانشگاه ترجمه با مجتمع دانشگاهی ادبیات و علوم انسانی ادغام شد (کافی، خوش‌سلیقه و هاشمی، ۲۰۱۸).

رشته مترجمی در ایران بیش از ۴۰ سال پیش در مقطع کارشناسی راه‌اندازی شد. برنامه چهارساله کارشناسی مترجمی عمدتاً بر روی تمرین ترجمه بین فارسی و زبان خارجی متمرکز است. این دوره‌ها چهار مهارت اصلی زبان و حوزه‌های پیرامونی آن مانند زبان‌شناسی، ادبیات و ترجمه را ارتقاء می‌دهد. برنامه درسی ترجمه انگلیسی بیش از دو دهه پیش تدوین شد و اغلب به دلیل برآورده نکردن نیازهای دانش‌آموختگان و تقاضای بازار مورد انتقاد قرار گرفته است (برای نمونه، ن.ک. قاضی‌زاده و جمالی‌منش، ۱۳۸۹).

برنامه درسی «کارشناسی مترجمی زبان انگلیسی» شامل درس دوواحدی «ترجمه ادبیات» است. همین درس در برنامه درسی گرایش «زبان و ادبیات انگلیسی» نیز گنجانده شده است. با توجه به الزامات تدریس و عمل ترجمه ادبی، بررسی دیدگاه‌های کنشگران فعال در این عرصه از جمله مترجمان ادبی، ناشران، مدرّسان و فراگیران دانشگاهی ترجمه ادبی نسبت به الزامات تدریس ترجمه ادبی از نظر اهداف، محتوا و روش تدریس ضروری است. تحقیقات گسترده‌ای در مورد نیازمندی‌های تدریس ترجمه (یزدان پرست، ۲۰۱۲؛ رستگار مقدم، خوش‌سلیقه، و پیشقدم، ۲۰۲۰)، محتوای تدریس ترجمه (زحمتکش، ۱۳۸۹؛ اخروی، ۱۳۹۵؛ ورمزیاری، ۱۳۹۷) و روش‌های تدریس ترجمه (صادقی، ۱۳۸۸؛ مجلسی‌فرد، ۱۳۹۰) در ایران انجام شده است. در حالی که این پژوهش‌ها، الزامات تدریس ترجمه در دانشگاه‌های ایران را بررسی کرده‌اند، درباره نگاه مترجمان ادبی ایران به توانش<sup>۱</sup> ترجمه ادبی پژوهش‌های اندکی انجام شده است. لذا، بررسی نگرش‌های مترجمان ادبی ایران دستاوردهای آموزشی ارزشمندی برای مدرّسان و طراحان برنامه درسی ترجمه خواهد داشت.

<sup>۱</sup> competence

هدف مطالعه جاری، توصیف و واکاوی نقطه‌نظرات مترجمان ادبی حرفه‌ای ایران در مورد توانش ترجمه ادبی و اجزاء و مولفه‌های این توانش (زیرتوانش‌های<sup>۱</sup> ترجمه ادبی) است. هدف دیگر این پژوهش، مقایسه تطبیقی توانش و زیرتوانش‌های مدنظر مترجمان ادبی با مدل‌های کلی توانش ترجمه است که پیش از این در عرصه آموزش ترجمه ارائه شده است تا بتوان اشتراکات و تفاوت‌های میان نگاه مترجمان ادبی شاخص ایرانی با مدل‌های دانشگاهی را مشخص کرد. افزون بر این، پژوهش جاری در پی یافتن احتمالی توانش‌ها و زیرتوانش‌های خاص ترجمه ادبی در بستر جامعه ایران است که ممکن است با توانش‌ها و زیرتوانش‌های پیشنهادی در مدل‌های پیشین متفاوت باشند.

اهمیت این پژوهش در آن است که نگرش‌های ارزشمندی را در مورد تدریس موفق ترجمه ادبی در بستر دانشگاهی ایران به دست می‌دهد. این مطالعه به دلیل تمرکز بر یک حوزه و ژانر خاص از ترجمه و همچنین به دلیل بررسی دیدگاه‌های مترجمان ادبی شاخص ایرانی به روش مطالعه کیفی، حائز اهمیت است. پژوهش حاضر به خلق دانش جدید و تعمیق دانش قبلی در مورد ضروریات تدریس ترجمه ادبی در دانشگاه‌های ایران کمک خواهد کرد. علاوه بر این، پژوهش جاری دستاوردهای عملی برای مدرسان ترجمه ادبی، طراحان برنامه درسی و تدوین‌کنندگان کتب درسی خواهد داشت.

### ۱-۱. چارچوب نظری پژوهش

در این پژوهش، برای واکاوی نظرات مترجمان شاخص ترجمه ادبی در مورد توانش ترجمه ادبی از شش مدل مشهور توانش ترجمه بهره خواهیم گرفت و اشتراکات و تفاوت‌های این شش مدل را با دیدگاه‌های مترجمان حرفه‌ای مقایسه خواهیم کرد. این شش مدل عبارتند از: مدل شافنر<sup>۲</sup> (۲۰۰۰)، مدل فاکس<sup>۳</sup> (در شافنر، ۲۰۰۰)، مدل پیشنهادی گروه تخصصی EMT شافنر<sup>۴</sup> (۲۰۰۹)، مدل نورد<sup>۵</sup> (۲۰۰۵)، مدل گروه PACTE (۲۰۰۳)، و مدل گاپرفیش<sup>۶</sup> (به نقل از

<sup>۱</sup> subcompetences

<sup>۲</sup> Schaffner

<sup>۳</sup> Fox

<sup>۴</sup> emt expert group

<sup>۵</sup> Nord

<sup>۶</sup> Gopferich

کرایلی، ۲۰۱۳). توصیف مختصر شش مدل توانش ترجمه در ادامه این بخش آمده است. مدل دیگری که به طور خاص بر توانش ترجمه ادبی متمرکز است و در پژوهش جاری نیز از آن بهره گرفته ایم، مدل PETRA-e (۲۰۱۷) است که در ادامه بدان خواهیم پرداخت. پژوهش‌گران بسیاری تاکنون کوشیده‌اند اجزاء و مولفه‌های توانش ترجمه را شناسایی و دسته‌بندی نمایند. در این میان، مدل‌های متعددی نیز پیشنهاد شده است که شش مورد از معتبرترین آن‌ها در ادامه به اختصار شرح داده می‌شود:

(۱) شافنر (۲۰۰۰) شش زیرتوانش را برای ترجمه تشخیص داد: توانش زبانی، توانش فرهنگی، توانش متنی، توانش حوزه/ موضوع خاص، توانش پژوهش، و توانش انتقال. شافنر عمدتاً بر دانش و راهبردهای زبانی و فرهنگی مورد استفاده در فرآیند ترجمه متمرکز است. (۲) فاکس (در شافنر، ۲۰۰۰) پنج زیرتوانش را برای ترجمه مشخص کرد: توانش ارتباطی، توانش اجتماعی-فرهنگی، دانش زبانی و فرهنگی، دانش نحوه یادگیری و توانش حل مسئله. مدل فاکس شامل دانش و مهارت‌هایی است که مترجمان برای ادامه حرفه خود به عنوان مترجم بدان نیاز دارند.

(۳) گروه تخصصی EMT (۲۰۰۹) زیرتوانش‌های ترجمه را در شش دسته طبقه‌بندی کرد: توانش ارائه خدمات ترجمه، توانش زبانی، توانش بین فرهنگی، توانش استخراج داده، توانش فن‌آوری، و توانش موضوعی. مدل EMT نه تنها دانش زبانی، فرهنگی و موضوعی را شامل می‌شود، بلکه مهارت‌های پژوهشی و تکنولوژیکی را نیز به عنوان توانش‌های فرعی آن دربرمی‌گیرد.

(۴) نورد (۲۰۰۵) در مدل کارکردگرای توانش ترجمه خود، ۹ زیرتوانش را از یکدیگر تمییز داده است: توانش حرفه‌ای، توانش فرارابطی، توانش بین فرهنگی، توانش توزیع، توانش نگارش، توانش رسانه‌ای، توانش پژوهش، توانش مقاومت در برابر استرس و اطمینان از خود. مدل نورد علاوه بر ماهیت کارکردگرا، برخی از توانایی‌های ذهنی و روان‌شناختی مرتبط با ترجمه را نیز در نظر گرفته است.

(۵) گروه PACTE (۲۰۰۳) زیرتوانش‌هایی را برای ترجمه پیشنهاد کرده است: زیرتوانش دوزبانگی، زیرتوانش فرازبانی، زیرتوانش راهبردی، زیرتوانش ابزاری، زیرتوانش دانش ترجمه

و زیرتوانش روانی-جسمی (همچنین ر.ک. PACTE, ۲۰۰۵). مدل PACTE بر این فرض استوار است که ترجمه، شغلی مبتنی بر پروژه است و در یک محیط حرفه‌ای کار می‌کند. (۶) گاپفیش (به نقل از کرالی، ۲۰۱۳) زیرتوانش‌های ترجمه را تشریح و آن‌ها را به دو دسته طبقه‌بندی کرد: توانش ترجمه و توانش حرفه‌ای. دسته اول شامل توانش دامنه<sup>۱</sup>، توانش روانی-حرکتی، توانش فعال‌سازی رویه ترجمه<sup>۲</sup>، ابزارها و توانش پژوهش، توانش ارتباطی در زبان مبدأ و مقصد، و توانش راهبردی. از سوی دیگر، زیرتوانش‌های توانش حرفه‌ای شامل آشنایی با هنجارهای ترجمه، اخلاق حرفه‌ای و گرایش روانی-جسمی<sup>۳</sup> است. مدل گاپفیش بر جنبه‌های ذهنی توانش ترجمه مانند حل مسئله متمرکز است.

مدل‌های بالا، توانش ترجمه را بدون در نظر داشتن یک ژانر یا گونه خاص بررسی کرده‌اند. یکی از معدود مدل‌هایی که زیرتوانش‌های ترجمه ادبی را شناسایی و دسته‌بندی کرده، مدل PETRA-e (۲۰۱۷) با هشت زیرتوانش به شرح زیر است:

- (۱) *توانش انتقال* دربرگیرنده دانش، مهارت و نگرش مورد نیاز برای ترجمه متون به زبان مقصد در سطح مورد نیاز است. این توانش شامل توانایی تشخیص مشکلات درک متن، توانایی حل این مشکلات به نحو مقتضی و پذیرش مسئولیت ترجمه تولیدشده نهایی است.
- (۲) *توانش زبانی* به معنای تسلط مترجم بر جنبه‌های دستوری، سبکی و منظورشناختی متون مبدأ و مقصد، به‌ویژه در زمینه‌های خوانش و نگارش، است.
- (۳) *توانش متنی* شامل دانش ژانرها و سبک‌های ادبی و توانایی به‌کارگیری این دانش در تجزیه و تحلیل متن مبدأ و تولید متن مقصد است.
- (۴) *توانش اکتشافی*<sup>۴</sup> دربرگیرنده توانایی گردآوری دانش زبانی و موضوعی مورد نیاز برای ترجمه، توانایی توسعه راهکارهای استفاده موثر از منابع اطلاعاتی دیجیتال، و توانایی نقد متون و تمیزدادن نسخه‌های متنی متفاوت است.

<sup>1</sup> domain competence

<sup>2</sup> routine activation competence

<sup>3</sup> psycho-physical disposition

<sup>4</sup> heuristic

- (۵) توانش ادبی-فرهنگی به معنای توانایی به‌کارگیری دانش مربوط به فرهنگ و ادبیات جوامع مبدا و مقصد در فرآیند تولید ترجمه ادبی و نیز توانایی مدیریت تفاوت‌های فرهنگی و توانایی تشخیص جنبش‌ها، مکاتب و سبک‌های ادبی است.
- (۶) توانش حرفه‌ای شامل توانایی گردآوری دانش درباره حوزه کاری خود و نشان‌دادن نگرش مناسب و مورد انتظار فعالان آن حوزه کاری است.
- (۷) توانش ارزشیابی به مفهوم توانایی سنجش و ارزیابی ترجمه‌ها، مهارت مترجمان و فرآیند ترجمه است.
- (۸) توانش پژوهش به معنای توانایی انجام پژوهش روش‌مند برای بهبود و ارتقای کیفیت ترجمه است.

## ۲-۱. پرسش‌های پژوهش

در پژوهش جاری برآنیم به پرسش‌های زیر پاسخ دهیم:

- (۱) مترجمان ادبی شاخص ایران چه توانش‌هایی را برای ترجمه ادبی لازم می‌دانند؟
- (۲) چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی بین زیرتوانش‌های پیشنهادی مترجمان ادبی شاخص ایران و زیرتوانش‌های شش مدل توانش ترجمه وجود دارد؟
- (۳) توانش ترجمه ادبی در بستر جامعه ایران دارای چه زیرتوانش‌های ویژه‌ای است؟

## ۲. پیشینه پژوهش

در ایران نیز پژوهش‌های بسیاری درمورد توانش ترجمه انجام شده است. برخی از این پژوهش‌ها تاثیر راهبردهای مختلف آموزش ترجمه بر رشد توانش ترجمه‌ای را بررسی کرده‌اند (برای نمونه فتوحی نانساء و اطهاری نیک‌عزم، ۱۳۹۸؛ میرزا ابراهیم تهرانی و کریمی کلیشادی، ۱۴۰۱؛ علوی، نعمتی و قائمی، ۲۰۱۴؛ اورکی و تجویدی، ۲۰۲۰). برخی دیگر نیز کارآیی سرفصل‌های دانشگاهی آموزش ترجمه را در رشد توانش ترجمه‌ای فراگیران واکاوی کرده‌اند (احمدی صفا و امرایی، ۱۳۹۰؛ داورى، نورزاده، فیروزیان‌پور اصفهانی، و حسنی، ۱۴۰۰). باوجود این، پژوهشگران ایرانی کمتر به شناسایی و توصیف توانش‌ها و زیرتوانش‌های هدف در آموزش ترجمه به طور اعم و ترجمه متون ادبی به طور اخص پرداخته‌اند.



یکی از محدود پژوهش‌های انجام شده در این زمینه، پژوهش خوش‌سلیقه (۱۳۹۳) است. وی در پژوهشی کیفی، دیدگاه‌های مدرسان ترجمه انگلیسی در دانشگاه‌های برتر ایران را در مورد کاستی‌های برنامه آموزش ترجمه جویا شد. نتایج تحلیل داده‌ها با استفاده از شیوه نظریه داده‌بنیاد نشان داد مدرسان ترجمه بر ضرورت ایجاد تغییرات عمده در محتوای دوره آموزشی مزبور تاکید کرده و خواستار افزودن دروس آموزش برنامه‌های نرم‌افزاری مترجم‌یار، ارتقای کیفی و کمی دروس مهارتی ترجمه و مربوط به نیازهای بازار کار، تغییر محتوای دروس زبان خارجی و زبان‌شناسی کاربردی و سایر موارد هستند.

### ۳. روش پژوهش

چنان‌که پیش‌تر نیز اشاره شد، در این پژوهش کوشیده‌ایم دیدگاه مترجمان ادبی حرفه‌ای ایران درباره توانش ترجمه ادبی و زیرتوانش‌های آن را توصیف و تحلیل کنیم. در این بخش، نمونه پژوهش، روش نمونه‌گیری، و روش گردآوری و تحلیل داده‌ها تبیین خواهد شد.

### ۱-۳. نمونه پژوهش و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری این پژوهش شامل همه مترجمان ادبی شاخص ایران است. این مترجمان در بازه زمانی دهه ۱۳۴۰ تاکنون به فعالیت در بازار چاپ و نشر آثار ادبی اشتغال داشته‌اند. نمونه آماری پژوهش با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شد؛ بدین ترتیب که همه مترجمان ادبی که طی سه دهه اخیر با مجله علمی- فرهنگی مترجم مصاحبه داشته‌اند برای پژوهش انتخاب شدند و متن مصاحبه‌های آنان تحلیل شد. دلایل متعددی برای این انتخاب قابل ذکر است. نخست این‌که این مجله یکی از شاخص‌ترین مجلات علمی- فرهنگی تخصصی ترجمه در ایران است که از شروع انتشار آن سه دهه می‌گذرد و با اقبال گسترده مترجمان و علاقه‌مندان به ترجمه برخوردار بوده است. این فصلنامه در هر شماره خود متن مصاحبه با یکی از مترجمان ادبی شاخص ایران را منتشر کرده است. در این مصاحبه‌ها، مترجمان درباره طیفی از موضوعات کاربردی مرتبط با ترجمه ادبی سخن گفته‌اند که یکی از این موضوعات توانش ترجمه ادبی است. در مجموع ۴۰ مصاحبه از ۳۶ مترجم ادبی بررسی و تحلیل شد. مجله مترجم سه مصاحبه جداگانه با آقای عبدالله کوثری، دو مصاحبه با خانم گلی امامی و دو مصاحبه با آقای بهاء‌الدین

خرمشاهی داشته‌است که متن همه این مصاحبه‌ها تحلیل شده است. نام مترجمان ادبی در زیر آمده است:

عبدالله کوثری (خزاعی فر، ۱۳۷۰ب؛ خزاعی فر، ۱۳۸۰الف؛ خزاعی فر، ۱۳۹۵ب)، مهستی بحرینی (خزاعی فر، ۱۳۹۶ب)، مزده دقیقی (خزاعی فر، ۱۳۹۴)، علی عبداللهی (اکبری، ۱۳۹۳)، اسدالله امرایی (خزاعی فر، ۱۳۹۶الف)، رضا رضایی (اکبری، ۱۳۸۶)، گلی امامی (خزاعی فر، ۱۳۷۸الف؛ خزاعی فر، ۱۳۹۸)، لیلی گلستان (صلح جو، ۱۳۸۵)، کامران فانی (خزاعی فر، ۱۳۸۵)، نجف دریابندری (خزاعی فر، ۱۳۸۴ب)، بهاء‌الدین خرمشاهی (خزاعی فر، ۱۳۷۰ج؛ خزاعی فر، ۱۳۸۴الف)، احمد سمیعی (صلح جو، ۱۳۸۴)، رضی هیرمندی (خزاعی فر، ۱۳۸۳)، منوچهر بدیعی (صلح جو، ۱۳۸۱)، سروش حبیبی (رحیم‌زاده، ۱۳۸۱)، مهدی افشار (خزاعی فر، ۱۳۸۰ب)، ابراهیم یونسی (رحیم‌زاده، ۱۳۷۹)، علی صلح‌جو (خزاعی فر، ۱۳۷۹ب)، مصطفی رحیمی (خزاعی فر، ۱۳۷۹الف)، جلال خسروشاهی (خزاعی فر، ۱۳۷۸ب)، رضا سیدحسینی (خزاعی فر، ۱۳۷۸ب)، فرزانه طاهری (خزاعی فر، ۱۳۷۷)، محمود کیانوش (خزاعی فر، ۱۳۷۵)، کریم امامی (خزاعی فر، ۱۳۷۳ب)، عزت‌الله فولادوند (خزاعی فر، ۱۳۷۳الف)، مجدالدین کیوانی (خزاعی فر، ۱۳۹۷ج)، محمد قاضی (خزاعی فر، ۱۳۷۵)، مصطفی ملکیان (خزاعی فر، ۱۳۹۷ب)، داریوش آشوری (خزاعی فر، ۱۳۹۶ج)، احمد میرعلائی (خزاعی فر، ۱۳۷۱ج)، شیوا مقانلو (خزاعی فر، ۱۳۹۷الف)، مهدی غبرایی (خزاعی فر، ۱۳۹۶د)، پیمان خاکسار (خزاعی فر، ۱۳۹۵الف)، میر جلال‌الدین کزازی (خزاعی فر، ۱۳۷۱الف)، صالح حسینی (خزاعی فر، ۱۳۷۰الف)، مهدی سحابی (خزاعی فر، ۱۳۷۱ب).

### ۲-۳. روش گردآوری داده‌ها

نخست فایل‌های پی.دی.اف مصاحبه‌های مترجمان از وب‌سایت فصلنامه مترجم‌بارگیری و ذخیره گردید. سپس نرم‌افزار تحلیل داده‌های کیفی (MAXQDA) نصب و فایل‌های مصاحبه در نرم‌افزار بارگذاری شد. در ادامه، پژوهش‌گر متن مصاحبه‌ها را به‌دقت مطالعه و برای یافتن اظهارات مرتبط با توانش ترجمه ادبی جستجو کرد. همه جملاتی که مترجمان به‌طور صریح یا ضمنی درباره توانش‌های مورد نیاز مترجمان ادبی بیان کرده بودند شناسایی و کدگذاری شد.

### ۳-۳. روش تحلیل داده‌ها

پژوهش‌گر از تحلیل مضمونی<sup>۱</sup> برای تجزیه و تحلیل داده‌ها بهره‌گرفت. تحلیل مضمونی روشی است که برای یافتن و تحلیل مضامین در داده‌های کیفی استفاده می‌شود (سالدانها و اوبراین<sup>۲</sup>، ۲۰۱۴). تحلیل مضمونی داده‌ها طی مراحل زیر انجام شد:

مرحله ۱: پژوهش‌گر با داده‌ها آشنا شد. متن مصاحبه‌ها را چندین بار خواند تا ایده‌های اولیه‌ای که در متون ظاهر می‌شوند را بیابد.

مرحله ۲: ویژگی‌های جالب داده‌ها به‌عنوان «کد» شناسایی شد و داده‌های مربوط به هر کد مشخص گردید.

مرحله ۳: کدها در کنار هم قرارگرفتند تا مضامین را شکل دهند.

مرحله ۴: بررسی شد که آیا مضامین پدیدار شده می‌توانند همه کدها و داده‌های مربوطه در متون را توضیح دهند. درنهایت، نقشه‌ای از همه مضامین پدیدار شده ترسیم گردید.

مرحله ۵: ویژگی‌های خاص هر مضمون مشخص شد و مضامین تعریف و نام‌گذاری شدند.

مرحله ۶: خلاصه‌ای مفید و مرتبط از داده‌ها یافته و تجزیه و تحلیل شد و در رابطه با پرسش‌های پژوهش و ادبیات مرتبط با پژوهش مورد بحث قرارگرفت. درنهایت، گزارشی از تحلیل مضمونی ارائه شد.

### ۴. نتایج

با تحلیل مضمونی چهل مصاحبه مجله مترجم با مترجمان ادبی شاخص ایران، زیرتوانش‌های هدف در ترجمه ادبی مشخص شدند. در ادامه، ۲۳ زیرتوانش هدف در ترجمه ادبی که از داده‌ها به دست آمده‌اند به‌همراه اجزای آن‌ها تبیین شده و نمونه‌هایی از اظهارنظرهای مترجمان درمورد هر یک از زیرتوانش‌ها ارائه می‌شود. ترتیب ارائه زیرتوانش‌ها در این بخش تصادفی است.

<sup>1</sup> thematic analysis

<sup>2</sup> Saldanha & O'Brien

نخستین زیرتوانش ترجمه ادبی، زیرتوانش زبانی است. این زیرتوانش به معنای تسلط مترجم بر جنبه‌های مختلف زبان‌های مبدأ و مقصد است: «مترجم خوب کسی است که حائز چند شرط باشد. اولاً، زبان خارجی را که از آن ترجمه می‌کند به خوبی بداند. ثانیاً، فارسی را خوب بشناسد» (رحیمی، در خزاعی فر، ۱۳۷۹، ص. ۳۵)؛ «هرچه گنجینه واژه‌های مترجمی بیش تر و دامنه انتخاب او وسیع تر باشد، موفقیت او در ترجمه بخش‌های توصیفی بیش تر خواهد بود» (کوثری، در خزاعی فر، ۱۳۹۵، ص. ۲۰)؛ «مترجم باید بتواند آن افکار و احساساتی را که نویسنده بیگانه با هنرمایه‌های کلامی بیان کرده است دریابد، از آن خود کند و آن‌گاه با زبان روح خود و هنرمایه‌های کلامی خود بازگوید» (کیانوش، در خزاعی فر، ۱۳۷۵، ص. ۲۱).

دومین زیرتوانش ترجمه ادبی، توانش پژوهش است. این زیرتوانش شامل توانایی پژوهش درباره متن اثر و توانایی پژوهش درباره نقدهای نگاشته شده پیرامون اثر است: «مترجم باید درباره همه جوانب اثر و نویسنده و دوره‌اش کلی چیز بداند و سر آخر اطلاعات کافی در این زمینه به خواننده بدهد» (عبداللهی، در اکبری، ۱۳۹۳، ص. ۷۳)؛ «اگر جایی دچار مشکل شدم پیش از ترجمه کردن آن را با اهل این کار در میان می‌گذارم» (گلستان، در صلح‌جو، ۱۳۸۵، ص. ۴۱)؛ «نقدهایی را هم که بر آن‌ها نوشته شده است مطالعه و احیاناً با دوستان کتابخوانم درباره آن‌ها مشورت می‌کنم» (حبیبی، در رحیم‌زاده، ۱۳۸۱، ص. ۲۳).

سومین زیرتوانش ترجمه ادبی، زیرتوانش حرفه‌ای است. این زیرتوانش به معنای داشتن هویت حرفه‌ای، پایبندی به اخلاق حرفه‌ای، توانایی کسب درآمد از طریق ترجمه ادبی و توانایی تولید ترجمه با کیفیت است: «انگیزه من در ترجمه آثار ادبی این است که مترجم حرفه‌ای آثار ادبی هستم» (سحابی، در خزاعی فر، ۱۳۷۱، ص. ۲۸)؛ «باید صادق بود و فروتن بود، باید از خود مایه گذاشت اما نباید از سر خود چیزی افزود یا کاست» (میرعلائی، در خزاعی فر، ۱۳۷۱، ص. ۲۴)؛ «اصراری بر نخبه‌گرایی و نخبه‌پسندی ندارم و خود را مترجم حرفه‌ای رمان می‌دانم و ممر درآمد دیگری جز این ندارم» (غبرایی، در خزاعی فر، ۱۳۹۶، ص. ۲۸)؛ «حرفه‌ای به معنای کسی است که کاری را نه تنها مستمراً و در برابر مزد، بلکه با کفایت و مهارت انجام می‌دهد» (فولادوند، در خزاعی فر، ۱۳۷۳ الف، ص. ۳۸).

چهارمین زیرتوانش ترجمه ادبی، زیرتوانش تصمیم‌سازی است. این زیرتوانش شامل توانایی انتخاب اثر، توانایی انتخاب روش مناسب ترجمه و توانایی مصالحه بین ضروریات مختلف در فرآیند ترجمه است: «همه را خودم انتخاب کرده‌ام جز تیتوی سبزنگشتی که پیشنهاد سیروس طاهباز بود. در واقع چند کتاب برایم آورد که من این یکی را انتخاب کردم» (گلستان، در صلح‌جو، ۱۳۸۵، ص. ۳۹)؛ «تکلیف خود را هر مترجمی (در رابطه با انتخاب راهبرد ترجمه) با توجه به متن، ذوق و سلیقه شخصی و تجربه‌ای که در گذر عمر از این جا و آن جا اندوخته تعیین می‌کند» (هیرمندی، در خزاعی‌فر، ۱۳۸۳، ص. ۹۳)؛ «باید ضمن حفظ اصالت متن، خواننده بدانند که با متنی از یک فرهنگ بیگانه مواجه است، اما فارسی متن نباید لنگ بزند» (امرای، در خزاعی‌فر، ۱۳۹۶ الف، ص. ۱۸).

پنجمین زیرتوانش ترجمه ادبی، زیرتوانش زبان‌شناختی است. این زیرتوانش به مفهوم آشنایی مترجم با واژه‌شناسی، نحو و معناشناسی و به کارگیری این دانش در فرآیند ترجمه است: «حروف باید در کلمه درست باشند و هر کلمه باید به جای خود بنشیند. تا زمانی که کسی «تخصیص» را «تخصیص» بنویسد نمی‌شود با او وارد مسائل دیگر شد» (فولادوند، در خزاعی‌فر، ۱۳۷۳ الف، ص. ۳۹)؛ «سوم سطح نحوی است. اجزای جمله باید دارای روابط معینی با هم باشند و باید در هر مورد صیغه درست آن را به کار برد» (فولادوند، در خزاعی‌فر، ۱۳۷۳ الف، ص. ۳۹)؛ «مترجم ادبی به نظر من باید تا حد امکان تخصصی کار کند... لایه‌های مختلف معنایی واژه‌ها را دریابد» (طاهری، در خزاعی‌فر، ۱۳۷۷، ص. ۱۸).

زیرتوانش ششم ترجمه ادبی، توانش جامعه‌شناختی است. این زیرتوانش شامل آشنایی با فرصت‌ها و چالش‌های بازار ترجمه، آشنایی با خوانندگان ترجمه و آشنایی با انتظارات محافل ادبی است: «علت اقبال خوانندگان به ترجمه ادبی در اینجا خیلی واضح است: تالیفات ما جواب‌گوی نیازهای خواننده نیست» (گلی امامی، در خزاعی‌فر، ۱۳۷۸ الف، ص. ۴۳)؛ «آشفته‌بازاری شده که گاهی کارهای خوب در آشوب تبلیغات و بوق بر سر آثار میانمایه گم می‌شود» (غبرایی، در خزاعی‌فر، ۱۳۹۶ د، ص. ۲۷)؛ «مترجم می‌تواند پیش از آغاز ترجمه از خود بپرسد که متن را برای کدامین خواننده ترجمه می‌کند» (کزازی، در خزاعی‌فر، ۱۳۷۱ الف،

ص. ۲۳)؛ «چه بسا مترجمان خوبی داشتیم که به ترجمه مطالبی پرداخته‌اند که جامعه ادبی مایل نبوده‌است آن‌ها را جزء موارد ارزشیابی قرار دهد» (صلح‌جو، در خزاعی فر، ۱۳۷۹، ص. ۲۰). زیرتوانش هفتم ترجمه ادبی، زیرتوانش سازگاری است. این زیرتوانش شامل توانایی مواجهه با ممیزی و توانایی پذیرش نظرات منتقدین است: «در مواقع مواجهه با سانسور برای این که اصل مطلب از بین نرود مجبور بوده‌ام با توصیف صحنه از ذکر دقیق کلمات خودداری کنم» (امرای، در خزاعی فر، ۱۳۹۶ الف، ص. ۱۷)؛ «سراغ ترجمه داستان‌ها و کتاب‌هایی نمی‌روم که سانسور به آن‌ها لطمه بزند» (دقیقی، در خزاعی فر، ۱۳۹۴، ص. ۳۸)؛ «آدم از دیدن ضعف‌ها و لغزش‌های خودش خوشحال نمی‌شود، شاید یک کمی هم بدحال بشود، اما اگر کمی انصاف و شهامت هم به این بدحالی اضافه‌کند، آن وقت آن معجونی که به دست می‌آید آن قدرها ناگوار نخواهد بود» (دریابندری، در خزاعی فر، ۱۳۸۴، ص. ۳۶)؛ «یادگرفته‌ام اگر کسی از کارم ایراد گرفت او را دشمن نپندارم. اگر ایرادش وارد بود به دیده منت قبول کنم» (امرای، در خزاعی فر، ۱۳۹۶ الف، ص. ۱۵).

زیرتوانش هشتم ترجمه ادبی، زیرتوانش فن‌آوری است. این زیرتوانش به معنای توانایی استفاده مترجم ادبی از ابزارهای فن‌آوری برای برقراری ارتباط و تعامل با نویسندگان، خبرگان و خوانندگان ترجمه است: «الان به مدد وسایل ارتباط جمعی با نویسندگان آثاری که می‌خوانم و قصد ترجمه‌شان را دارم ارتباط برقرار می‌کنم و از نظر استادان و پیشکسوتان جامعه ادبی بهره می‌برم» (امرای، در خزاعی فر، ۱۳۹۶ الف، ص. ۱۶)؛ «شوهرم کریم از پست الکترونیک برای حل بسیاری از مشکلات ویرایشی و ترجمه‌ای خود استفاده می‌کند و با عده‌ای از اهل فضل در دورترین نقاط جهان در تماس است» (گلی امامی، در خزاعی فر، ۱۳۷۸ الف، ص. ۴۴)؛ «با بسیاری از خوانندگانم در شبکه‌های اجتماعی ارتباط دارم و از نظراتشان استفاده می‌کنم» (امرای، در خزاعی فر، ۱۳۹۶ الف، ص. ۱۶).

زیرتوانش نهم ترجمه ادبی، زیرتوانش تحلیل است. این زیرتوانش شامل توانایی تحلیل متن اثر، توانایی تحلیل شخصیت‌های اثر، و توانایی مقابله ترجمه با متن اصلی و دیگر ترجمه‌ها است: «راوی اصلی داستان عملاً به جلد شخصیت‌ها رفته است و از دیدگاه آن‌ها درد آقای بینگلی را توصیف می‌کند» (رضایی، در اکبری، ۱۳۸۶، ص. ۵۶)؛ «بورخس شخصیت رازوموف،

این خائن شریف، را بسیار دوست می‌داشت. رازوموف مردی هوشمند است و جاه‌طلبی متعارفی دارد» (میرعلائی، در خزاعی فر، ۱۳۷۱ ج، ص. ۲۷)؛ «سالیان دراز، با یاری سه ترجمه انگلیسی، همچنان بر روی متن آلمانی و مطابقت‌دادن آن با ترجمه‌های انگلیسی کار کردم» (آشوری، خزاعی فر، ۱۳۹۶ ج، ص. ۳۷).

زیرتوانش دهم ترجمه ادبی، زیرتوانش انتقال است. این زیرتوانش به مفهوم آشنایی با اصول ترجمه و آشنایی با اصول ویرایش متن است: «پیش‌نیاز شرکت در این کارگاه‌ها این است که هنرجو اصول ترجمه زبان انگلیسی را بداند» (مقانلو، در خزاعی فر، ۱۳۹۷ الف، ص. ۳۷)؛ «نقش مترجم این است که علاوه بر انتقال صادقانه شیوه متن اصلی، توضیح کافی و وافی بیاورد» (حسینی، در خزاعی فر، ۱۳۷۰ الف، ص. ۲۵)؛ «مترجم خوب باید ویراستاری هم بداند. من تمام کتاب‌های تالیفی و ترجمه‌ام را خودم ویرایش لحنی و زبانی می‌کنم» (مقانلو، در خزاعی فر، ۱۳۹۷ الف، ص. ۳۰).

زیرتوانش یازدهم ترجمه ادبی، زیرتوانش اجتماعی است. این زیرتوانش به معنای توانایی کار گروهی و توانایی برقراری ارتباط موثر با کنشگران عرصه ترجمه است: «با (ابوالحسن) نجفی در انتشارات خوارزمی می‌نشستیم و آن صد صفحه را جمله به جمله با مشورت هم ترجمه کردیم و دیدیم که از نظر فکری چندان از هم دور نیستیم» (سیدحسینی، در خزاعی فر، ۱۳۷۸ ب، ص. ۳۷)؛ «هرگاه ترجمه یک اثر با جلب موافقت نویسنده آن صورت بگیرد، در بعضی مسائل ترجمه می‌توان از نویسنده یا ناشر آن کمک گرفت» (گلی امامی، در خزاعی فر، ۱۳۷۸ الف، ص. ۴۴)؛ «هر مترجمی نیاز به کمک و مشورت دارد، بنابراین باید دوست یا آشنایی داشته باشد که بتواند به‌هنگام نیاز به او مراجعه کند و از او کمک بخواهد. یک ویراستار خوب و دلسوز می‌تواند حکم چنین دوستی را داشته باشد» (کریم امامی، در خزاعی فر، ۱۳۷۳ ب، ص. ۵۹).

زیرتوانش دوازدهم ترجمه ادبی، زیرتوانش خلاقیت است. این زیرتوانش شامل توانایی نگارش خلاق و توانایی خلاقیت شعری است: «امیدوارم تا پایان امسال مجموعه داستان‌های کوتاه‌ام به نام پلنگان رهاکرده خوی پلنگی که تعدادی از آن‌ها قبلاً در ترکیه ترجمه و چاپ شده‌است منتشر شود» (خسروشاهی، در خزاعی فر، ۱۳۷۸ ب، ص. ۶۰)؛ «میرزاحیب زبان مبدا

را می‌گیرد و از صافی خلاق ذهنش چنان می‌گذراند که وقتی به زبان مقصد برمی‌گردد به کلی یک اثر و آفرینش جدید است. یعنی خلق دوباره اثر» (گلی امامی، در خزاعی فر، ۱۳۹۸، ص. ۴۸)؛ «گهگاه شعر هم می‌گفتم و شعرهای اجتماعی به شیوه «محمدعلی افراشته» می‌ساختم» (کیانوش، ص. ۱۵)؛ «تنهایی زیاد، کنجکاو و بعدها عشق مازوخیستی، یکسر یکطرفه و خودآزارانه، مرا به نوشتن قطعات ادبی و سرودن شعر در قالب‌های کهن سوق داد» (عبداللهی، در اکبری، ۱۳۹۳، ص. ۶۱)

زیرتوانش سیزدهم ترجمه ادبی، زیرتوانش ادبی است. این زیرتوانش شامل آشنایی با نقد ادبی و آشنایی با ادبیات بومی و ادبیات خارجی است: «با آشناسدن با اصول و مقدمات داستان‌نویسی توقعم زیاد شد. مطالعه را پی‌گرفتم و در ادبیات ایران به دنبال نمونه‌های نظیر چشم‌گرداندم» (یونسی، در رحیم‌زاده، ۱۳۷۹، ص. ۸۳)؛ «بسیاری از اشعار این بزرگان (سعدی و حافظ) و همینطور شعر شاعران خوب معاصر را در یاد و حافظه دارم» (حسینی، در خزاعی فر، ۱۳۷۰ الف، ص. ۳۰)؛ «مترجم ادبی باید نویسنده‌ای را که ترجمه می‌کند خوب بشناسد. مقام او را در ادبیات کشورش درک کند» (گلی امامی، در خزاعی فر، ۱۳۷۸ الف، ص. ۴۳).

زیرتوانش چهاردهم ترجمه ادبی، تلاش و تاب‌آوری است. این زیرتوانش شامل جدیت در پیشبرد ترجمه، تلاش برای انتخاب مطمئن، خطرپذیری، توانایی فعالیت عملی و توانایی یادگیری مستمر است: «توصیه من به مترجمان تازه‌کار، کار است و استمرار در کار» (یونسی، در رحیم‌زاده، ۱۳۷۹، ص. ۸۴)؛ «توصیه من کار و کوشش و سخت‌گیری است و رضایت ندادن به اولین پیش‌نویسی که از زیر دست انسان بیرون می‌آید» (کریم امامی، در خزاعی فر، ۱۳۷۳ ب، ص. ۵۹)؛ «همه مفهوم‌ها در همه زبان‌ها استعداد کژ فهمیده شدن دارند و این کج‌فهمی‌ها را نمی‌توان گناه کسانی دانست که بنا به بنیاد دستگاه اندیشگی خود، ترم‌های تازه‌ای برای مفهوم‌های تازه خود می‌آورند» (آشوری، در خزاعی فر، ۱۳۹۶ ج، ص. ۴۸)؛ «الگوی من برای هر متنی، خود آن متن و تجربیات من از متن‌های قبل است» (مقاملو، در خزاعی فر، ۱۳۹۷ الف، ص. ۳۷)؛ «یک مترجم خوب و پروسواس تا آخر عمرش یک طلبه باقی می‌ماند و هیچ‌گاه از آموختن دست نمی‌کشد» (کریم امامی، در خزاعی فر، ۱۳۷۳ ب، ص. ۵۹).



زیرتوانش پانزدهم ترجمه ادبی، زیرتوانش استعداد ذاتی است. این زیرتوانش به معنای توانایی و نبوغ ذاتی مترجم ادبی و به‌کارگیری آن در فرآیند ترجمه است: «برخلاف تصور عمومی، ترجمه ادبی مثل هر هنر دیگری آموختنی نیست. یا استعدادش در وجود کسی هست یا نیست» (گلی امامی، در خزاعی فر، ۱۳۷۸ الف، ص. ۴۳)؛ «مترجم شدن ظاهراً ذوقی هم می‌خواهد، به اصطلاح استعدادی برای نوشتن و نویسندگی» (یونسی، در رحیم‌زاده، ۱۳۷۹، ص. ۸۴)؛ «مترجم یک اثر ادبی باید استعدادی از جنس استعداد خالق آن اثر داشته‌باشد» (طاهری، در خزاعی فر، ۱۳۷۷، ص. ۱۸).

زیرتوانش شانزدهم ترجمه ادبی، زیرتوانش عادت‌واره‌ای است. این زیرتوانش شامل داشتن عادت خوانش متون ادبی و داشتن عادات نیمه‌خودآگاه زبانی است: «خواندن و نوشتن از خیلی کودکی برایم امری عادی و جاری بود. خواندن تنها دلخوشی و سرگرمی‌ام شده‌بود» (گلی امامی، در خزاعی فر، ۱۳۷۸ الف، ص. ۴۶)؛

«این عشق از کودکی در من بروز کرد و انگار از کودکی با من زاده شده‌بود چون پدرم که خود اهل شعر و ادب بود پیش از به دنیا آمدنم نام مهستی را به‌یاد مهستی گنجوی، شاعره قرن ششم، برای من برگزیده‌بود» (بحرینی، در خزاعی فر، ۱۳۹۶ ب، ص. ۱۹)؛

«البته به‌نظر من خلاقیت الزاماً خودآگاهانه نیست. بارها گفته‌ام که نمی‌توانم به این سوال پاسخ بدهم که چرا این طور نوشته‌ام ولی می‌دانم که این بهترین بوده که به نظر من رسیده» (کوثری، در خزاعی فر، ۱۳۹۵ ب، ص. ۲۲).

زیرتوانش هفدهم ترجمه ادبی، زیرتوانش فرهیختگی است. زیرتوانش فرهیختگی به معنای دارا بون ویژگی‌های متناسب به قشر تحصیل‌کرده و فرهیخته مانند اندیشه‌ورزی و مطالعه و دانش عمومی بالا است: «من تنها نویسنده و مترجم نبوده‌ام بلکه اندیشه‌گری هستم که در قلمرو علوم انسانی و فلسفه به مسائل جهانمان می‌اندیشد» (آشوری، در خزاعی فر، ۱۳۹۶ ج، ص. ۴۷)؛ «شدیدا روزنامه و مجله می‌خواندم و یقیناً فارسی بالنسبه ساده‌تر و پرتحرک مطبوعات آن دوران بر ذهن من اثر گذاشته» (کریم امامی، در خزاعی فر، ۱۳۷۳ ب، ص. ۴۸)؛ «تنها مطالعه خود را به کتاب یا کتاب‌هایی که قصد ترجمه آن‌ها را دارد محدود نکنم و کتاب‌هایی به زبان خارجی بخوانم» (کیانوش، در خزاعی فر، ۱۳۷۵، ص. ۳۴).

زیرتوانش هجدهم ترجمه ادبی، زیرتوانش انتقادی است. این زیرتوانش به معنای توانایی نقد سایر ترجمه‌ها است: «در مقدمه ترجمه شعله‌ور آمده است که کار ترجمه دو ماه انجام گرفته و چنین زمانی برای ترجمه اثری که برای پانزده سال تمام وسوسه دائمی ذهن نویسنده به گواه خود او بوده است بسیار اندک است» (حسینی، در خزاعی فر، ۱۳۷۰ الف، ص. ۲۲)؛ «شما باید قدرت تشخیص ترجمه خوب از بد را پیدا کنید و بعد قدرت بهبود و ارتقای کیفیت ترجمه خودتان را» (مقائلو، در خزاعی فر، ۱۳۹۷ الف، ص. ۳۷).

زیرتوانش نوزدهم ترجمه ادبی، زیرتوانش احساسی است. این زیرتوانش شامل توانایی هم‌دلی با اثر ادبی یا نویسنده آن و عشق به ادبیات است: «اگر مترجم به‌راستی دلبسته کتابی نشود و خود را به آن نزدیک نبیند حاصل کار مطلوب نخواهد بود» (کوثری، در خزاعی فر، ۱۳۷۰ ب، ص. ۱۱)؛ «من عاشق ادبیات هستم. حافظ می‌فرماید عاشقی شیوه زندان بلاکش باشد» (حسینی، در خزاعی فر، ۱۳۷۰ الف، ص. ۳۱)؛ «اگر ایمان و عشق نبود محال بود که بتوانم روزی ۱۲ ساعت و ۳۶۵ روز در سال زیر این کار طاقت‌فرسا دوام بیاورم» (فولادوند، در خزاعی فر، ۱۳۷۳ الف، ص. ۳۸).

زیرتوانش بیستم ترجمه ادبی، زیرتوانش نظری است. این زیرتوانش شامل آگاهی از ماهیت ترجمه، آگاهی از نقش مترجم و آگاهی از سنت ترجمه است: «ترجمه اثری هر قدر هم دقیق و درست بوده باشد نزدیک هشتاد درصد به متن اصلی نزدیک می‌شود» (حسینی، در خزاعی فر، ۱۳۷۰ الف، ص. ۲۲)؛ «مترجم همواره با این وسوسه زندگی می‌کند که اگر بهترین کار را هم ارائه دهد، باز اثر متعلق به دیگری است و او در حد یک کارگزار، یک واسطه، عمل کرده است» (میرعلائی، در خزاعی فر، ۱۳۷۱ ج، ص. ۲۴)؛ «در لابلائی اظهارنظرها، مصاحبه‌ها و نوشته‌های بعضی از آن‌ها در نقد ترجمه‌های دیگران، اشاراتی است که می‌تواند به‌نحوی بیانگر دیدگاه‌ها، سبک و سیاق مورد پسند آن‌ها و ملاک‌های خوب و بد کار ترجمه از نظر ایشان باشد» (کیوانی، در خزاعی فر، ۱۳۹۷ ج، ص. ۵۶).

زیرتوانش بیست و یکم ترجمه ادبی، زیرتوانش فراشناختی است. این زیرتوانش به معنای توانایی تحلیل و ارزیابی مستمر عملکرد و انتخاب‌های خود در فرآیند ترجمه است: «شواهد بسیاری از جمله در بین ترجمه‌های خودم سراغ‌دارم که صورت و معنی یک اثر غربی به‌طور

کامل به زبان فارسی منتقل شده است» (سحابی، در خزاعی فر، ۱۳۷۱ ب، ص. ۳۰)؛ «رمان‌هایی که ترجمه کرده‌ام یا شاعرانه و تغزلی بوده و یا رنگ و بوی عرفانی داشته است» (حسینی، در خزاعی فر، ۱۳۷۰ الف، ص. ۳۲)؛ «سعی می‌کنم در عین حفظ اصل صرافت طبع، غلط‌هایی را که گاهی ممکن است در نثر و نوشته و ترجمه‌ام بیاید دور و دفع کنم» (خرمشاهی، در خزاعی فر، ۱۳۷۰ ج، ص. ۱۹).

### ۵. بحث درباره نتایج

چنان‌که پیش‌تر اشاره شد، در پژوهش جاری دیدگاه‌های ۳۶ مترجم ادبی شاخص ایران درباره توانش ترجمه ادبی از متن ۴۰ مصاحبه این مترجمان با فصلنامه مترجم استخراج، تحلیل و دسته‌بندی شد. در مجموع ۱۰۴۳ بخش از مصاحبه‌ها که مرتبط با موضوع توانش ترجمه ادبی بود کدگذاری گردید. با تحلیل مضمونی نظرات مترجمان به ۲۱ زیرتوانش دست یافتیم. عنوان و بسامد زیرتوانش‌ها به همراه اجزای به‌دست‌آمده برای آن‌ها در جدول شماره ۱ نشان‌داده شده است.

### جدول ۱

عنوان و بسامد توانش‌های کلی ترجمه ادبی به همراه زیرتوانش‌های آن‌ها

ردیف	زیرتوانش	بسامد	اجزای زیرتوانش‌ها
۱	زبانی	۱۰۳	بسندگی زبان مبدأ، بسندگی زبان مقصد
۲	پژوهش	۸	پژوهش درباره متن اثر، پژوهش درباره نقدهای نگاشته‌شده درباره اثر
۳	حرفه‌ای	۷۲	هویت حرفه‌ای، کسب درآمد از ترجمه، اخلاق حرفه‌ای، کیفیت بالای ترجمه
۴	تصمیم‌سازی	۳۵	انتخاب اثر، انتخاب روش ترجمه، مصالحه در فرآیند ترجمه
۵	زبان‌شناختی	۴۰	واژه‌شناسی، نحو، معناشناسی

آشنایی با فرصت‌های بازار ترجمه، آشنایی با خوانندگان ترجمه، آشنایی با چالش‌های بازار ترجمه، شناخت محافل ادبی	۱۱۶	جامعه‌شناختی	۶
مواجهه با سانسور، پذیرش نظرات منتقدان	۲۶	سازگاری	۷
استفاده از ابزارهای فن‌آوری برای برقراری ارتباط و تعامل با نویسندگان، خبرگان و خوانندگان ترجمه	۲	فن‌آوری	۸
تحلیل شخصیت‌های اثر، تحلیل متن اثر، مقابله ترجمه با اصل اثر و دیگر ترجمه‌ها	۹	تحلیلی	۹
آشنایی با روش ترجمه، آشنایی با اصول ویرایش	۶۱	انتقال	۱۰
توانایی کار گروهی، توانایی برقراری ارتباط موثر با کنشگران عرصه ترجمه	۸۵	اجتماعی	۱۱
توانایی نگارش خلاقانه، توانایی خلاقیت شعری	۲۰	خلاقیت	۱۲
آشنایی با نقد ادبی، آشنایی با ادبیات بومی، آشنایی با ادبیات خارجی	۱۳۹	ادبی	۱۳
تخصیص وقت، استمرار، تمرکز، جدیت در پیشبرد کار، انتخاب مطمئن، خطرپذیری، توانایی فعالیت عملی، توانایی یادگیری مستمر	۱۹	تلاش و تاب - آوری	۱۴
برخورداری از استعداد ذاتی	۱۳	ذاتی	۱۵
عادت به خوانش متون ادبی، دارا بودن عادات زبانی نیمه‌آگاهانه	۱۴	عادت‌واره‌ای	۱۶
اندیشه‌ورزی، دانش عمومی بالا	۱۶	فرهینگی	۱۷
توانایی نقد ترجمه‌های دیگر	۴۱	انتقادی	۱۸
هم‌دلی با اثر یا نویسنده، عشق به ادبیات	۷۹	احساسی	۱۹

آگاهی از ماهیت ترجمه، آگاهی از نقش مترجم، آگاهی از سنت ترجمه	۸۷	نظری	۲۰
توانایی تحلیل و ارزیابی مستمر عملکرد و انتخاب‌های خود در فرآیند ترجمه	۵۱	فراشناختی	۲۱

همان‌طور که در جدول بالا می‌بینیم، مترجمان ادبی شاخص ایران در مصاحبه‌های خود با مجله مترجم به ترتیب بر زیرتوانش ادبی (۱۳۹ مورد)، زیرتوانش جامعه‌شناختی (۱۱۶ مورد) و زیرتوانش زبانی (۱۰۳ مورد) بیش‌ترین تأکید را داشته‌اند. بدین ترتیب، مترجمان ادبی بیش از هر چیز بر اهمیت دانش و توانایی ادبی در توانش ترجمه ادبی تأکید کرده‌اند. زیرتوانش ادبی شامل آشنایی با نقد ادبی، آشنایی با ادبیات بومی و آشنایی با ادبیات خارجی است. زیرتوانش ادبی در این پژوهش متناظر با زیرتوانش ادبی-فرهنگی در مدل توانش ترجمه ادبی-PETRA (۲۰۰۹) است. زیرتوانش ادبی-فرهنگی در آن مدل نیز به معنای توانایی به‌کارگیری دانش مربوط به فرهنگ و ادبیات جوامع مبدأ و مقصد در فرآیند تولید ترجمه ادبی و نیز توانایی مدیریت تفاوت‌های فرهنگی و توانایی تشخیص جنبش‌ها، مکاتب و سبک‌های ادبی است.

از سوی دیگر، مترجمان ادبی مصاحبه‌شونده، آشنایی با شرایط جامعه‌شناختی جامعه مقصد (ایران) را بخشی از توانش ترجمه ادبی دانسته‌اند. زیرتوانش جامعه‌شناختی شامل آشنایی با فرصت‌های بازار ترجمه، خوانندگان ترجمه، چالش‌های بازار ترجمه، و کانون‌های ادبی است. زیرتوانش جامعه‌شناختی مورد نظر مترجمان ادبی تداعی‌گر دسته‌بندی کرایلی (۲۰۱۳) است. این پژوهشگر نخستین بار مفهوم «توانش مترجم»<sup>۱</sup> را پیشنهاد داد که به معنای دانش و مهارت‌های مورد نیاز مترجم برای حضور در بازار حرفه‌ای ترجمه است. وی توانش مترجم را دارای سه زیرتوانش دانسته بود: زیرتوانش ترجمه، زیرتوانش شخصی و زیرتوانش اجتماعی. زیرتوانش جامعه‌شناختی نیز توانشی ضروری برای حضور مترجمان ادبی در بازار ترجمه است.

سومین زیرتوانش پربسامد که مترجمان ادبی بر آن تأکید کرده‌اند، زیرتوانش زبانی است. این زیرتوانش به معنای تسلط مترجم بر جنبه‌های مختلف زبان‌های مبدأ و مقصد است و

<sup>۱</sup> Translator Competence

بسندگی زبان مبدأ و بسندگی زبان مقصد را دربر می‌گیرد. این زیرتوانش متناظر با زیرتوانش پیشنهادی در مدل توانش ترجمه ادبی PETRA-e است. زیرتوانش زبانی در آن مدل نیز به معنای تسلط مترجم بر جنبه‌های دستوری، سبکی و منظورشناختی متون مبدأ و مقصد، به ویژه در زمینه‌های خوانش و نگارش است.

در ادامه این بخش، می‌کوشیم به پرسش‌های پژوهش پاسخ گوئیم:

در پاسخ به پرسش نخست پژوهش که مترجمان ادبی شاخص ایران چه زیرتوانش‌هایی را برای توانش ترجمه ادبی قائل هستند، نتایج پژوهش نشان داد که مترجمان ادبی بررسی شده مجموعاً به ۲۱ زیرتوانش اشاره کرده‌اند. شرح مبسوط این زیرتوانش‌ها و اجزای آن‌ها در جدول ۱ آمده است.

در پاسخ به پرسش دوم پژوهش که چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی بین زیرتوانش‌های پیشنهادی مترجمان ادبی حرفه‌ای ایران و زیرتوانش‌های شش مدل توانش ترجمه وجود دارد، یافته‌های پژوهش نشان داد که دسته‌بندی حاصل از پژوهش جاری (جدول ۱) بیش‌تر زیرتوانش‌های کلی پیشنهادشده در مدل‌های پیشین را دربر می‌گیرد هرچندکه برخی زیرتوانش‌ها در مدل‌های مختلف با عناوین متفاوت نامگذاری شده‌اند (مثلاً، زیرتوانش ارتباطی در مدل گاپفیش معادل زیرتوانش اجتماعی در مدل پژوهش جاری است) و برخی زیرتوانش‌های هم‌نام مفاهیم متفاوتی دارند (برای نمونه زیرتوانش حرفه‌ای در مدل نورد با زیرتوانش حرفه‌ای در تحقیق جاری متفاوت است). چنان‌که پیش‌تر بحث شد، زیرتوانش‌های مدل توانش ادبی PETRA-e همگی در ذیل مدل توانش ادبی به دست آمده در پژوهش جاری قرار می‌گیرند، هرچندکه برخی از زیرتوانش‌های مدل PETRA-e شامل چند زیرتوانش متفاوت در مدل تحقیق فعلی هستند. (برای نمونه، زیرتوانش اکتشافی پیشنهادشده در مدل PETRA-e با زیرتوانش فن‌آوری و زیرتوانش ادبی در مدل پژوهش ما هم‌پوشانی دارد).

از طرف دیگر، برخی از زیرتوانش‌های تعریف‌شده در مدل‌های پیشین در مدل تحقیق فعلی جای ندارند. برای نمونه، زیرتوانش متنی شافنر (دانش انواع متن، ژانرها و قراردادهای) در دسته‌بندی ما قرار نداشت؛ زیرا توانش ترجمه ادبی تنها بر یک ژانر متمرکز است و زیرتوانش متنی مورد نظر شافنر مورد نیاز مترجمان ادبی نیست. علاوه بر این، زیرتوانش ارائه خدمات

ترجمه در مدل EMT در مدل پژوهش جاری قرار نگرفته است؛ زیرا این زیرتوانش عمدتاً در ترجمه در بافت تجاری مورد نیاز می‌باشد. زیرتوانش حرفه‌ای مد نظر نورد (آگاهی از کارکردهای متفاوتی که ترجمه‌ها ممکن است در زمینه‌های مختلف زبان مقصد داشته باشند) نیز در مدل پژوهش جاری ذیل زیرتوانش جامعه‌شناختی قرار می‌گیرد؛ اما چون مترجمان در مصاحبه‌های خود بدان نپرداخته‌اند، در زمره زیرتوانش‌های تحقیق جاری گنجانده نشده‌است. در پاسخ به پرسش سوم پژوهش که توانش ترجمه ادبی در بستر جامعه ایران دارای چه زیرتوانش‌های ویژه‌ای است، یافته‌های ما نشان‌داد برخی زیرتوانش‌های توصیف‌شده در پژوهش جاری در مدل‌های قبلی توانش ترجمه نبوده‌اند؛ برای نمونه، زیرتوانش تصمیم‌سازی، زیرتوانش سازگاری، زیرتوانش خلاقیت، زیرتوانش ذاتی، زیرتوانش عادت‌واره‌ای، زیرتوانش فرهیختگی، زیرتوانش احساسی و زیرتوانش فراشناختی. یکی از دلایل احتمالی این امر آن است که بیش‌تر این زیرتوانش‌ها (به‌ویژه زیرتوانش سازگاری، زیرتوانش خلاقیت و زیرتوانش احساسی) در توانایی ترجمه ادبی نقش کلیدی دارند اما ممکن است در ترجمه سایر متون اهمیت چندانی نداشته باشند. یکی از علل دیگر حصول زیرتوانش‌های گفته‌شده در تحقیق جاری، منبع گردآوری داده بوده‌است. مدل‌های قبلی توانش ترجمه با نظرخواهی از مدرسان و فراگیران ترجمه و نیز مترجمان حرفه‌ای به‌دست آمده‌اند، درحالی که مدل پژوهش جاری برآمده از نظرات مترجمان ادبی شاخص ایران بوده‌است.

مقایسه یافته‌های این پژوهش با عناوین و موضوعات درسی برنامه کارشناسی مترجمی زبان انگلیسی ضروری است. بررسی سرفصل جدید مترجمی زبان انگلیسی نشان می‌دهد در این سرفصل به برخی زیرتوانش‌های پژوهش جاری توجه شده‌است. یکی از اهداف درس ترجمه ادبی در این سرفصل، آشنایی با زبان کهنه و معاصر و توانایی حفظ سبک و سیاق و لحن متن است (زیرتوانش زبانی). چهارمین زیرتوانش پژوهش جاری، تصمیم‌سازی است که در زمره اهداف سرفصل آمده‌است و ذکر شده که یکی از اهداف آموزش ترجمه ادبی، آشنایی با چگونگی و ملاک‌های انتخاب اثر برای ترجمه است. یکی از اهداف درس ترجمه ادبی در سرفصل، آشنایی با سبک و سیاق و لحن متن ادبی است که به زیرتوانش زبان‌شناختی مرتبط است. آشنایی با مخاطب و ملاحظات بازار ترجمه ادبی نیز بخشی از زیرتوانش جامعه‌شناختی

در پژوهش جاری است. زیرتوانش انتقال، هدف اصلی درس ترجمه ادبی ذکر شده است و قید شده که هدف درس، آشنایی دانشجویان با اصول ترجمه ادبیات و ترجمه متون ادبی مختلف است. توانش نظری نیز در زمره اهداف درس ترجمه ادبی ذکر شده است. یکی از اهداف سرفصل، آشناسازی فراگیران با ویژگی‌های مترجم ادبی و تفاوت ترجمه ادبی با سایر انواع ترجمه است. این مباحث در ذیل زیرتوانش نظری قرار می‌گیرند.

از سوی دیگر، برخی زیرتوانش‌های پژوهش جاری در زمره اهداف درس ترجمه ادبی در سرفصل کارشناسی ذکر نشده‌اند. دومین زیرتوانش، زیرتوانش پژوهش، به معنای توانایی جست‌وجو برای یافتن پاسخ سوالات پیش روی مترجم است. این زیرتوانش در اهداف درس دیده نشده و یا شاید بدیهی فرض شده است. زیرتوانش سوم، زیرتوانش حرفه‌ای، در میان اهداف درس ترجمه ادبی ذکر نشده است. اگرچه در درس «بازار ترجمه» به مباحث ترجمه حرفه‌ای پرداخته می‌شود اما حرفه‌ای‌گری در بازار ترجمه ادبی نیز دارای ابعاد ویژه‌ای است که نباید مغفول بماند. زیرتوانش سازگاری به معنای توانایی مواجهه با ممیزی و نظرات منتقدان در سرفصل دیده نشده است و جای خالی آن احساس می‌شود. زیرتوانش فن‌آوری نیز در زمره اهداف درس ترجمه ادبی ذکر نشده است. دلیل احتمالی این مساله آن است که در سرفصل، درس مستقلی با عنوان «ترجمه و فن‌آوری» تعریف شده است. زیرتوانش نهم، زیرتوانش تحلیلی، نیز در سرفصل مفروض پنداشته شده و به آن صراحتاً اشاره‌ای نشده است. زیرتوانش اجتماعی هم که به معنای برقراری تعامل با کنشگران عرصه ترجمه است در سرفصل مغفول مانده و تلاش برای رفع این کاستی ضروری است. زیرتوانش خلاقیت (نگارش خلاقانه و خلاقیت شعری) نیز در زمره اهداف سرفصل ذکر نشده است. اگرچه بخشی از این توانش، ذاتی است اما تلاش برای پرورش زیرتوانش خلاقیت در فراگیران ضروری است. زیرتوانش ادبی از موارد مهم دیگری است که به آن در سرفصل هیچ توجهی نشده است و فراگیران مستقیماً وارد ترجمه ادبی شده‌اند. تلاش برای آشناسازی فراگیران با مباحث ادبی و ادبیات جوامع مبدا و مقصد ضرورتی انکارناپذیر است. بررسی اهداف تعریف‌شده درس ترجمه ادبی در سرفصل کارشناسی مترجمی نشان می‌دهد زیرتوانش‌های تلاش و تاب‌آوری، ذاتی،



عادت‌واره‌ای، فرهیختگی، انتقادی، احساسی و فراشناختی نیز در زمره اهداف سرفصل قید نشده‌اند که این کاستی در خور تأمل است.

بر اساس مقایسه زیرتوانش‌های پیشنهادی مترجمان ادبی با اهداف تعریف‌شده درس ترجمه ادبی در سرفصل جدید کارشناسی ترجمه انگلیسی می‌توان پیشنهادهایی را به طراحان سرفصل مترجمی انگلیسی و دیگر زبان‌ها ارائه کرد. شایسته است که مواردی همچون تقویت روحیه تلاش و ممارست، شناسایی استعداد ذاتی فراگیران، تقویت عادت خوانش و انس با ادبیات، افزایش روحیه فرهیختگی و آرمان‌گرایی، افزایش قوه نقد و تحلیل، افزایش شیفتگی و عشق به ادبیات، افزایش توانایی تعامل با فعالان عرصه ترجمه ادبی، و ارتقای تفکر فراشناختی (توانایی نقد و تحلیل جایگاه و عملکرد خود در زمینه ترجمه ادبی) در زمره اهداف درس ترجمه ادبی قرار گیرند.

## ۶. نتیجه‌گیری

در پژوهش جاری، زیرتوانش‌های دخیل در ترجمه متون ادبی با تحلیل مصاحبه‌های جمعی از مترجمان ادبی شاخص ایران توصیف و دسته‌بندی شد. نتایج پژوهش نشان‌داد که ۲۱ زیرتوانش در ترجمه ادبی نقش دارند که این زیرتوانش‌ها بیش‌تر زیرتوانش‌های توصیف‌شده در مدل‌های قبلی توانش ترجمه را در برمی‌گیرد و برخی زیرتوانش‌های جدید ترجمل متون ادبی در جامعه ایران را نیز شامل می‌شود.

یافته‌های این پژوهش برای مترجمان ادبی و مدرسان و فراگیران دانشگاهی و غیردانشگاهی ترجمه ادبی در ایران سودمند خواهد بود و آن‌ها را با طیف گسترده زیرتوانش‌های مورد نیاز برای ورود به حرفه ترجمه ادبی آشنا می‌سازد. افزون‌بر این، نتایج پژوهش جاری راهنمای سیاست‌گذاران آموزشی در تدوین و بازنگری محتوای دروس مرتبط با ترجمه ادبی در سرفصل‌های آموزشی مترجمی زبان انگلیسی خواهد بود. با توجه به این که شواهدی از تفاوت توانش ترجمه ادبی از زبان‌های مختلف (همچون عربی، انگلیسی، فرانسه و ...) به فارسی در جامعه ایران وجود ندارد و از طرفی برخی از مترجمان ادبی حاضر در این تحقیق از زبان‌هایی غیر از انگلیسی نیز به فارسی ترجمه کرده‌اند، نتایج این پژوهش برای خوانندگان سایر گروه‌های آموزشی (غیر از انگلیسی) نیز قابل استفاده و سودمند خواهد بود. با توجه به این که تحقیق جاری

نخستین تحقیق از این نوع در مورد توانش ترجمه ادبی در جامعه ایران است و از طرفی دسترسی خوانندگان به مترجمان ادبی ایرانی (به ویژه مترجمان نسل پیش از انقلاب) ناممکن و یا محدود می‌باشد، این تحلیل کتابخانه‌ای برآیندی ارزشمند از نظرات مترجمان ادبی شاخص ایران را در قالب یک دسته‌بندی گسترده در اختیار خوانندگان قرار می‌دهد.

این پژوهش نیز مانند هر پژوهش دیگر با محدودیت‌هایی مواجه بوده است. این محدودیت‌ها عمدتاً مربوط به قلمرو پژوهش است. با عنایت به این که پژوهش جاری مطالعه‌ای کتابخانه‌ای و پیش‌درآمدی بر یک پژوهش میدانی گسترده‌تر می‌باشد، نمونه آماری پژوهش صرفاً شامل مترجمان ادبی شاخص ایران بوده است و سایر کنشگران فعال در عرصه ترجمه ادبی مانند مدرسان و فراگیران ترجمه ادبی، سیاست‌گذاران آموزشی، ناشران و ... را مدنظر نداشته است. علاوه بر این، در انتخاب مترجمان ادبی شاخص بر مصاحبه‌های مجله مترجم تمرکز شده است. پژوهش‌گران علاقه‌مند به این موضوع می‌توانند در مطالعات آتی خود نظرات سایر کنشگران عرصه ترجمه ادبی را نیز مبنای توصیف و دسته‌بندی توانش ترجمه ادبی قرار دهند و نمونه آماری بزرگ‌تری از مترجمان ادبی جوان و کمتر شناخته‌شده را انتخاب نمایند.

### منابع

احمدی‌صفا، م. امرایی، ع. (۱۳۹۰). ارزیابی سرفصل درسی دوره کارشناسی مترجمی زبان انگلیسی از نظر رشد توانش ترجمانی دانشجویان. *مطالعات زبان و ترجمه*: ۴۴ (۳)، صص. ۲۹-۵۰.

اخروی، ا. (۱۳۹۵). *طراحی مواد آموزشی: روشی فعالیت‌محور برای ترجمه متون سیاسی در ایران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه بین‌المللی امام رضا (ع).

اکبری، ع. (۱۳۸۶). در جستجوی روح سیال اثر: گفت و گو با رضا رضایی درباره ترجمه رمان‌های جین آستین. مترجم، ۴۶: صص. ۴۴-۶۳.

اکبری، ع. (۱۳۹۳). مترجم باید خودش را از دید خواننده پنهان کند: گفتگو با علی عبداللهی. مترجم، ۵۴: صص. ۷۸-۵۹.

خزاعی‌فر، ع. (۱۳۷۰ الف). مصاحبه با صالح حسینی درباره خشم و هیاهو. مترجم: ۱، صص.

۲۱-۳۳

- خزاعی فر، ع. (۱۳۷۰ب). مصاحبه با عبدالله کوثری درباره *آنورا* و گفتگو در *کاتدرال*. مترجم: ۲، صص. ۱۴-۲۸.
- خزاعی فر، ع. (۱۳۷۰ج). مصاحبه با بهاء‌الدین خرمشاهی: ترجمه ابواب جمعی هنر ادبیات است. مترجم: ۴، صص. ۸-۲۴.
- خزاعی فر، ع. (۱۳۷۱الف). مصاحبه با دکتر میرجلال‌الدین کزازی درباره *انه‌اید*. مترجم: ۸، صص. ۱۸-۳۴.
- خزاعی فر، ع. (۱۳۷۱ب). مصاحبه با مهدی سبحانی درباره *طرف خانه سوان*. مترجم: ۶، صص. ۲۷-۳۶.
- خزاعی فر، ع. (۱۳۷۱ج). گفتگو با احمد میرعلائی. مترجم: ۷، صص. ۱۹-۳۱.
- خزاعی فر، ع. (۱۳۷۲). گفتگو با محمد قاضی. مترجم: ۹، صص. ۷-۱۴.
- خزاعی فر، ع. (۱۳۷۳الف). گفتگو با دکتر عزت‌الله فولادوند. مترجم: ۱۵، صص. ۳۲-۵۵.
- خزاعی فر، ع. (۱۳۷۳ب). گفتگو با کریم امامی. مترجم: ۱۶، ۴۷-۶۲.
- خزاعی فر، ع. (۱۳۷۵). گفتگو با محمود کیانوش. مترجم: ۲۱ و ۲۲، صص. ۱۳-۳۷.
- خزاعی فر، ع. (۱۳۷۷). گفتگو با فرزانه طاهری. مترجم: ۲۷، صص. ۱۵-۲۸.
- خزاعی فر، ع. (۱۳۷۸الف). گفتگو با گلی امامی مترجم ادبی. مترجم: ۲۹، صص. ۴۱-۵۱.
- خزاعی فر، ع. (۱۳۷۸ب). گفتگو با رضا سیدحسینی. مترجم: ۳۰، صص. ۲۹-۴۱.
- خزاعی فر، ع. (۱۳۷۸ج). گفتگو با جلال خسروشاهی. مترجم: ۳۱، صص. ۵۷-۶۵.
- خزاعی فر، ع. (۱۳۷۹الف). گفتگو با دکتر مصطفی رحیمی. مترجم: ۳۲، صص. ۳۲-۴۰.
- خزاعی فر، ع. (۱۳۷۹ب). گفتگو با علی صلح‌جو ویراستار، مترجم و محقق ترجمه. مترجم: ۳۳، صص. ۱۹-۴۴.
- خزاعی فر، ع. (۱۳۸۰الف). گفتگو با عبدالله کوثری مترجم ادبی. مترجم: ۳۵، صص. ۱۹-۲۸.
- خزاعی فر، ع. (۱۳۸۰ب). گفتگو با مهدی افشار مترجم ادبی. مترجم: ۳۵، صص. ۵۳-۵۸.
- خزاعی فر، ع. (۱۳۸۳). گفتگو با رضی خدادادی (هیرمندی): هنر ترجمه ادبیات کودک و نوجوان. مترجم: ۳۹، صص. ۸۹-۹۷.

خزاعی فر، ع. (۱۳۸۴ الف). گفتگو با بهاء‌الدین خرمشاهی. مترجم: ۴۱، صص. ۱۳-۱۸.  
 خزاعی فر، ع. (۱۳۸۴ ب). یک گفتگو: حرف‌های دریابندری درباره ترجمه. مترجم: ۴۲،  
 صص. ۳۱-۴۰.

خزاعی فر، ع. (۱۳۸۵). گفتگو با کامران فانی. مترجم: ۴۳، ۲۱-۳۴.  
 خزاعی فر، ع. (۱۳۹۴). گفتگو با مژده دقیقی مترجم ادبی. مترجم: ۵۶، صص. ۳۵-۴۷.  
 خزاعی فر، ع. (۱۳۹۵ الف). گفت و گو با پیمان خاکسار. مترجم: ۵۹، صص. ۴۵-۵۰.  
 خزاعی فر، ع. (۱۳۹۵ ب). گفتگو با عبدالله کوثری: همدلی با نویسنده به همزبانی با او  
 می‌انجامد. مترجم: ۶۰، صص. ۱۱-۲۲.

خزاعی فر، ع. (۱۳۹۶ الف). گفت و گو با اسدالله امرایی. مترجم: ۶۱، صص. ۱۳-۲۲.  
 خزاعی فر، ع. (۱۳۹۶ ب). گفتگو با مهستی بحرینی. مترجم: ۶۲، صص. ۱۹-۲۶.  
 خزاعی فر، ع. (۱۳۹۶ ج). گفتگو با داریوش آشوری در مقام مترجم. مترجم: ۶۳، صص. ۳۱-  
 ۵۰.

خزاعی فر، ع. (۱۳۹۶ د). گفتگو با مهدی غبرایی. مترجم: ۶۴، صص. ۲۳-۳۳.  
 خزاعی فر، ع. (۱۳۹۷ الف). گفتگو با شیوا مقالو. مترجم: ۶۵، صص. ۲۵-۳۸.  
 خزاعی فر، ع. (۱۳۹۷ ب). گفتگو با مصطفی ملکیان. مترجم: ۶۶، صص. ۳۵-۴۶.  
 خزاعی فر، ع. (۱۳۹۷ ج). گفتگو با مجدالدین کیوانی. مترجم: ۶۸، صص. ۵۳-۷۲.  
 خزاعی فر، ع. (۱۳۹۸). گفتگو با گلی امامی. مترجم: ۷۰، ۴۶-۵۴.  
 خوش سلیقه، م. (۱۳۹۳). توانش‌های هدف در آموزش مترجم فارسی و انگلیسی. *مطالعات  
 زبان و ترجمه*: ۴۷(۳)، صص. ۱۱۳-۱۴۳.

داوری، ح. نورزاده، س. فیروزیان‌پور اصفهانی، آ. حسنی، ق. (۱۴۰۰). ارزیابی و نقد برنامه  
 درسی بازنگری شده رشته مترجمی زبان انگلیسی در مقطع کارشناسی. *پژوهش‌نامه انتقادی  
 متون و برنامه‌های علوم انسانی*: ۲۱(۱۰)، صص. ۱۷۵-۱۹۸.

رحیم‌زاده، ر. (۱۳۷۹). گفت و گو با استاد ابراهیم یونسی. مترجم: ۳۳، صص. ۸۱-۸۷.  
 رحیم‌زاده، ر. (۱۳۸۱). گفتگوی رحیم رحیم‌زاده با سروش حبیبی. مترجم: ۳۶، صص. ۲۲-

- زحمتکش، م. ر. (۱۳۸۹). *پیکره‌های تک‌زبان در آموزش مترجم: هم‌آیی و درک موضوع در ترجمه خد-ماتی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.
- صادقیه، ح. (۱۳۸۸). *به کارگیری مدل فرامتن تطبیقی در آموزش ترجمه تخصصی در محیط وب*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.
- صلح‌جو، ع. (۱۳۸۱). *گفتگوی علی صلح‌جو با دکتر منوچهر بدیعی درباره اولیس*. مترجم: ۳۷، صص. ۲۵-۴۱.
- صلح‌جو، ع. (۱۳۸۴). *گفتگوی علی صلح‌جو با احمد سمیعی*. مترجم: ۴۰، صص. ۱۱-۲۲.
- صلح‌جو، ع. (۱۳۸۵). *گفتگوی علی صلح‌جو با لیلی گلستان*. مترجم: ۴۴، صص. ۳۵-۴۴.
- فتوحی نانساء، م. اطهاری نیک‌عزم، م. (۱۳۹۸). *بررسی دشواری‌های پیش روی مترجم در ترجمه اسامی حیوانات در دو زبان فارسی و فرانسه*. پژوهش‌های زبان و ترجمه فرانسه، ۲(۲)، ۸۹-۶۱.
- قاضی‌زاده، خ. و جمالی‌منش، ع. ر. (۱۳۸۹). *نگاهی گذرا به وضعیت نابسامان آموزش ترجمه در برخی از دانشگاه‌های ایران*. *مطالعات ترجمه*: ۱(۳۰)، صص. ۹۱-۱۰۴.
- مجلسی‌فرد، ا. (۱۳۹۰). *مطالعه شیوه‌های آموزش ترجمه در ایران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- میرزا ابراهیم تهرانی، ف. کریمی کلیشادی، ز. (۱۴۰۱). *نقش مقابله ترجمه با متن اصلی در آموزش ترجمه و واژه‌گزینی*. *پژوهش‌های زبان و ترجمه فرانسه*، ۵(۱)، ۱-۲۵.
- ورمزیاری، ح. (۱۳۹۷). *آموزش ترجمه از دیدگاه جامعه‌شناسی: تدوین تمرینات ترجمه‌آموزمحور*. رساله دکتری، دانشگاه علامه طباطبائی.

Alavi, S. M. Nemati, M., & Ghaemi, H. (2014). Measuring the growth of translation competence by considering the task-based translation pattern. *Language and Translation Studies Quarterly: 1*, 1-17.

EMT expert group (2009). Competences for professional translators, experts in multilingual and multimedia communication. <http://ec.europa.eu/dgs/translation/programmes/emt/k>

ey\_documents/emt\_competences\_translators\_en.pdf (consulted 10.07.2023).

Kafi, M., Khoshsaligheh, M., & Hashemi, M. R. (2018). Translation profession in Iran: current challenges and future prospects. *Translator*: 24 (1), pp. 89-103.

Kiraly, D. (2013). *Towards a View of Translator Competence as an Emergent Phenomenon: Thinking Outside the Box (es) in Translator Education*. (eds.) Kiraly, D. Hansen-Schirra, K., & Maksymski, K. (2013). *New Prospects and Perspectives for Educating Language Mediators* (pp.197-224). Tübingen: Narr Verlag.

Nord, C. (2005). *Text Analysis in Translation: Theory, Methodology, and Didactic Application of a Model for Translation-oriented Text Analysis*. Amsterdam & New York: Rodopi.

Oraki, A. Tajvidi, G. R. (2020). Training translators and interpreters: The need for a competence-based approach in designing university curricula. *Iranian journal of English for academic purposes*: 9(2), 42-56.

PACTE Group (2003). *Building a Translation Competence Model*. In: Alves, Fabio (ed.) *Triangulating Translation: Perspectives in process oriented research*, Amsterdam: John Benjamins, 43-66.

PACTE Group (2005). Investigating Translation Competence: Conceptual and Methodological Issues. *Meta*: 50(2), 609-619.

PETRA-e Network (2009). PETRA-e reference framework for the education and training of literary translators. <https://petra-educationframework.eu/> (consulted 10.7.2023).

Rastegar Moghadam, M. R. Khoshsaligheh, M. Pishgadam, R. English Translation Students' Attitude towards Teamwork Skills in Subtitling Training Classroom. *Language-Related Research*: 11(3), pp. 95-119.

Sadeghi, K. (2009). Translation, interpretation, or composition: The art of transition. *Translation Studies*: 7(27): pp. 65-80.

Saldanha, G., & O'Brien, S. (2014). *Research methodologies in translation studies*. London, England: Routledge.

Schaffner, C. & Adab, B. (2000). *Developing translation competence*. London, England: Routledge.

Yazdanparast, M. (2012). *A Study on the courses for MA translation students in Iran: Are graduate students welcome by the market?* Unpublished Master's thesis, University of Isfahan, Isfahan, Iran.